

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئينه ايران

حزب کار ایران – توفان

۰۲ فبروری ۲۰۱۳

موفقیت جشن سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون جهانی و تأثیرات آن



جشن یادمان پنجاهمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) در روز شنبه ۵ جنوری در شهر فرانکفورت با شکوه تمام برگزار شد. بیش از پانصد نفر از اعضای و یاران پیشین و آزادیخواهان و میهندوستان ایرانی از اقصا نقاط جهان، ایران، امریکا، آلمان، سویدن، اتریش، فرانسه، هالند، بلژیک، انگلستان، ایتالیا، سوئیس.... با علاقه و شور و شوق فراوان در این گردهم آئی حضور یافتند و با این یادمان و برگزار کنندگان آن ابراز همبستگی نمودند. اهمیت ذکر حضور این جمع بزرگ در این جشن فقط به لحاظ کمی مطرح نیست، بلکه از منظر کیفی و تاریخی نیز قابل تأمل است. در شرایطی که گروههای اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی و به ویژه آن دسته که از سوی امپریالیستها حمایت مالی می شوند و با تشکیل کنفرانس ها و کنگره های امپریالیست ساخته قادر به سازماندهی بیش از چهل یا پنجاه نفر نمی شوند، حضور با شکوه بیش از پانصد نفر در جشن یادمان پنجاهمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون جهانی آنهم با کمترین امکانات مالی و تبلیغاتی و به طور سراسری از ایران، امریکا و سایر کشورها تا شهرهای مختلف آلمان و به خرج خود، بسیار حائز اهمیت است و بی شک از احترام عمیق به سنن مبارزاتی کنفدراسیون جهانی و مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم و استقلال و اتکاء به نیروی خویش نشأت می گیرد.

حزب ما در ارگان مرکزی خود توفان شماره ۱۴۴ مؤرخ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۰ در مقاله ای به ضرورت برگزاری پنجاهمین سالگرد تأسیس کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی اشاره داشت و نوشت: "تجلیل از این تاریخ و مبارزه یک نسل دانشجویان انقلابی ایران در خارج از کشور، بسیار ضروری است. این تجلیل که باید با تدارک صورت گیرد،

به ویژه از این جهت اهمیت دارد که پاره ای از اعضاء سابق این سازمان با اظهار ندامت، به ایده آلهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک این سازمان پشت کرده و به صف دشمنان مردم ایران، به صف امپریالیستها و صهیونیستها و نوکران تروریست بومی آنها پیوسته اند. تجلیل از مبارزات کنفدراسیون جهانی در عین حال بیان خط کشی روشن میان دوستان و دشمنان مردم ایران خواهد بود. بر این مبناست که حزب کار ایران(توفان) با اعتقاد عمیق به حفظ سنتهای انقلابی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، به گردهمائی همه یاران و رفقاء، و به ویژه به دبیران سابق کنفدراسیون جهانی تا قبل از انشعاب آن سازمان، که هنوز به مبارزه ضد استبدادی و ضد شاهی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک اعتقاد دارند، به دیده مثبت نگریسته و برای برگزاری این روز تاریخی که آنرا مفید تشخیص می دهد، از جانب خود آماده همکاری است". و بر همین اساس حزب ما همه رفقای هوادار و خوانندگان نشریات توفان و همه دوستان و یاران مبارز را فراخواند تا دامن همت به کمر بندند و با همکاری صمیمانه و دست در دست یکدیگر به پای برگزاری پنجاهمین سالگرد این تجربه بی همتا و تاریخی مردم ایران روند. زیرا تجلیل از برگزاری چنین مراسمی تجلیل از خدمات شایسته ای بود که در دفاع از حقوق صنفی و سیاسی دانشجویان، در دفاع از مبارزات خلقهای قهرمان ایران، در نبرد علیه رژیم سفاک و وابسته به امپریالیسم دربار پهلوی و در راه تحقق خواستهای ملی و دموکراتیک و عدالتخواهانه مردم ایران انجام می گرفت. ستایش از این تجربه تاریخی دانشجویان ایرانی از این جهت نیز مهم است که این دستاوردها محصول مبارزه مشترک همه نیروهای ملی دموکراتیک و به ویژه کمونیستها در خارج از کشور در زمان ستمگری شاه بود و متعلق به سازمان سیاسی معینی نیست. هیچ کس چه در گذشته و چه در حال نمی تواند ادعای مالکیت کنفدراسیون را بنماید و مبارزات کنفدراسیون را که نتیجه فداکاری هزاران نفر از دانشجویان ایرانی بود که وقت و یا حتی زندگی خود را در این راه گذاردند، بر اساس مقام و منزلت فردی خویش توصیف کند. کنفدراسیون، دبیران منتخب کنگره های رسمی داشت که بر اساس منشور و مصوبات کنگره های کنفدراسیون، باید سیاست این سازمان را در طی یکسال تا کنگره بعدی به پیش می بردند، ولی کنفدراسیون نه "رئیس" داشت و نه "آقا بالا سر". کنفدراسیون میراث خواری نمی تواند داشته باشد. به همین جهت نیز کنفدراسیون سازمانی توده ای بود و نه محل تجمع پیشاهنگان و لذا سرنوشت آن علی رغم نفوذ سازمانهای سیاسی از طریق فعالان از خود گذشته خویش در داخل آن، در روند یک گفت و گوی دموکراتیک با شرکت توده عظیم دانشجوی در مراجع علنی، رسمی و به طور شفاف تعیین می شد. سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان همانقدر در این مبارزه دموکراتیک شرکت و نقش داشت که سایر نیروها و سازمانهای ملی دموکراتیک در خارج از کشور در آن نقش داشتند. و به همین جهت نیز تجلیل از این دستاوردها یک امر جمعی است و باید با اعتقاد به همین سیاست جمعی به پیش برده می شد. کنفدراسیون زمانی متلاشی شد که به این اصول سنتی خیانت شد.

این تجمع باید نقش آموزشی ایفاء می کرد و باید یادآور این حقیقت می شد که کنفدراسیون از حقوق دموکراتیک همه زندانیان سیاسی زمان شاه، صرفنظر از افکار و ایدئولوژی آنها حمایت می کرد. کنفدراسیون همانقدر از حقوق خمینی و طالقانی و مهندس بازرگان و داریوش فروهر دفاع می کرد که از حقوق پرویز نیکخواه، بیژن جزنی، مسعود احمد زاده، شکرالله پاکنژاد، حنیف نژاد، رضائی، مسعود رجوی، بجنوردی، حسین رضائی و... به دفاع بر می خاست. شکنجه در اساس خود زشت بود، دادگاههای نظامی سری در اساس خود محکوم بود و در این امر کنفدراسیون کوچکترین تزلزلی از خود بروز نمی داد. کنفدراسیون به همه آموزش داد که حقوق انسانها و ملتها و دول را به نوع ایدئولوژی آنها وابسته نکنیم. کوچکترین لغزش در این عرصه سقوط به اعماق دره است.

بنظر حزب ما کنفدراسیون در انجام این امر مهم بسیار موفق بود و این گردهمایی در فرانکفورت به نسل جوان ایران نشان داد که دفاع از حقوق دمکراتیک را نباید به نوع ایدئولوژی پیوند بزنند. این درس مهمی است که باید آنرا آویزه گوش گردانید.

کسانی که امروز نمی فهمند و یا نمی خواهند بفهمند که حق حیات ملت فلسطین به نوع رهبری ایدئولوژیک آن وابسته نیست، کسانی که نمی خواهند بفهمند که سرزمینهای دیگران را نمی شود به بهانه نادرست بودن و یا حتی ارتجاعی بودن ایدئولوژی حکومتهایشان اشغال کرد، کسانی که نمی خواهند بفهمند و یا خود را به نادانی می زنند که سطح از لحاظ تاریخی "نازل" فرهنگی هیچ ملتی را نمی شود، بهانه تجاوز و اشغال آن کشور قرار داد و به جازن استعمار تبدیل شد، کسانی که نمی خواهند بفهمند که تجاوز و شکنجه انسانها محکوم است، حتی اگر ایدئولوژی آنها حزب اللهی باشد، این عده درسی از مبارزه دمکراتیک آزموده توسط هزاران توده دانشجو در خارج از کشور به ضد نظام ستمشاهی نگرفته اند. آنها دمکرات نیستند، آنها خود را پشت "مدرنیسم" پنهان کرده اند و هوادار تجاوز امپریالیستها به ایران و تحریمها و تنبیهات غیر قانونی اقتصادی آنها هستند. ریشه های این اتخاذ موضع تنها همدستی با امپریالیستها نیست، دشمنی با دموکراتیسم نیز هست.

به نظر حزب ما یادمان پنجاهمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) مبارزه ضد امپریالیستی این سازمان را به عنوان درس بزرگی به نسل جوان ایران ارائه داد. این تجمع دستاورد بزرگ مبارزه ضد امپریالیستی کنفدراسیون را که بخش جدا ناپذیر هر جنبش دمکراتیک است، به همه معرفی نمود. این جلسه نشان داد که مبارزات درخشان و سراسری اعضاء و یاران کنفدراسیون در دفاع از مبارزات قهرمانانه خلقهای ویتنام، فلسطین، ظفار و الجزایر و همه خلقهای دربند جهان تا به چه حد در وحدت و احترام متقابل این خلقها مؤثر بوده است. پیامهای دولت موقت ویتنام جنوبی به کنگره کنفدراسیون، سازمان جوانان حزب کار البانی و یا پیام دولت ویتنام شمالی و پیامهای سایر نهضت‌های آزادیبخش به کنگره های کنفدراسیون اتفاقی نیست و نبود. زیرا کنفدراسیون بر پرچم مبارزاتی اش علاوه بر شعار استقلال و آزادی، شعار همبستگی بین المللی را نیز حک کرده بود، کنفدراسیون از جنبشهای آزادیبخش الهام می گرفت و پیوند عمیقی بین مبارزات کنفدراسیون و مبارزات دیگر جنبشهای رهائیبخش ایجاد شده بود. بر اساس همین اصول می توان شرکت اعضای کنفدراسیون در اعتراضات جهانی علیه توحش و بربریت تهاجمات امپریالیستی و نقض حق حاکمیت و خود تعیینی سرنوشت خلقها را توضیح داد.

این دستاورد به ویژه در شرایط امروز که مثنی ایرانی فاقد اصول و فرصت طلب از مبارزه ضد امپریالیستی به بهانه "سکولاریسم" و "مدرنیسم" چشم پوشیده اند و کشکول در یوزگی را برای دریافت کمکهای مالی به در خانه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی-صهیونیستی می برند، بسیار با اهمیت است. این تغییر رنگها از چشم مردم ایران پنهان نمی ماند و یاران کنفدراسیون این سیاستهای جاسوس پرور، که خود را تنها پشت کوه جنایات رژیم منفور جمهوری اسلامی پنهان می کنند، خواهد شناخت.

کنفدراسیون مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی را کوچه یک طرفه نمی دید. اگر کسی از همه مردم دنیا بخواهد که نقض حقوق بشر در زمان شاه و در زمان رژیم استبدادی جمهوری اسلامی در ایران را محکوم کند، نمی تواند در مورد نقض حقوق بشر در سایر ممالک مهر سکوت بر لب زند و تجاوز و تخریب و آشوب و شکنجه در سایر جاها را به رسمیت بشناسد. کنفدراسیون جنایات امپریالیستهای بلژیک، فرانسه و امریکا را در کنگو محکوم کرد و از حقوق مردم کنگو به حمایت برخاست. کنفدراسیون در کنار خلقهای عرب در مبارزه شان به ضد استعمار و تجاوز باقی ماند و هرگز بیان از دیدتاریخی نادرست "خلیج عربی" از جانب آنها را وسیله دامن زدن به ناسیونالیسم و همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم نگردانید. کنفدراسیون به درستی و با آگاهی، جبهه مبارزات انقلابی و دمکراتیک را از ضد

انقلابی و ارتجاعی تمیز می داد و قربانی دسیسه های دشمنان نمی شد. به همین جهت کنفدراسیون از احترام عمیق برخوردار بود، به همین جهت کنفدراسیون بر اصولیت پا می فشرد و ابن الوقت نبود.

مراسم یادمان پنجاهمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) نشان داد که وصول پیروزی سهل و ساده نیست. بسیاری از فعالان و رهبران کنفدراسیون در زمان شاه و شیخ جان خویش را بر سر آرمناهایشان گذاردند و در رسالت تاریخی خود در ستیز با ظلمت و تاریک اندیشی و اختناق و سرکوب و بی قانونی سنگر مبارزه را ترک نکردند. و اکنون که آنها در بین ما نیستند سنگر مبارزه آنها در راه کسب آزادی و تحقق حقوق بشر و استقرار دموکراسی خالی نمانده است.

درس بزرگ دیگری که دستاورد مبارزه کنفدراسیون جهانی بود و در روند این مراسم بازتاب می یافت، وحدت مبارزاتی و یکپارچگی خلقهای ایران علیه دربار پهلوی، امپریالیسم و ارتجاع بود. شعار زنده باد وحدت خلقهای ایران، اتحاد، مبارزه و پیروزی روح حاکم بر یادمان پنجاهمین سالگرد تأسیس کنفدراسیون جهانی بود و نشان می داد که فعالان سیاسی ملت‌های گوناگون ایران به درک اولویتهای دست یافته و به ضد نفرت ملی و همدستی با امپریالیسم مبارزه می کردند. فعالان سیاسی ملیتهای ایران می دانستند که مبارزه بر رفع ستم ملی در ایران بدون مبارزه با امپریالیسم و استقرار دموکراسی در ایران مقدور نیست. همدستی با ارتجاع و امپریالیسم که ناقض حقوق همه ملت‌هاست، نمی تواند جای وحدت دموکراتیک خلقهای ایران را بگیرد و به عامل نفاق و نفرت ملی بدل شود، که ما نتایج فاجعه بار آن را در یوگسلاوی و سایر ممالک دیده ایم. روح حاکم بر این مراسم سرشار از تقاهم و همبستگی و یگانگی خلقهای ایران بود و این طبیعتاً به مذاق دشمنان مبارزه دموکراتیک که بخش لاینفک مبارزه به ضد امپریالیسم است هرگز خوش نمی آید. ولی این مبارزه آزموده است که راهش را در میان نسل جوان باز می کند. رفع ستم ملی از گذر مبارزه به ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع می گذرد و یک امر طبقاتی است. البته تلاش برای سازماندهی چنین بزرگداشتی که می تواند برای درس آموزی به نسل‌های آینده ایران نیز مفید باشد، بدون بیان نفرت و دسیسه چینی و خرابکاری از جانب همه آن کسانی که منافع طبقاتی و یا شخصی حقیر خویش را در خطر می دیدند و می بینند، به وجود نیامد.

این فعالیت دشمن شکن، فرصتی شد برای دشمنان مردم ایران و عمال امپریالیسم تا چهره خود را شفافتر به نمایش بگذارند. دشمنان سوگند خورده مردم ایران در مقابل آکسیون که مظهر مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم و علیه غلام حلقه به گوش آنها دربار پهلوی بود، نتوانستند آرام بگیرند. آنها در مقاله ای در تارنمای حزب مشروطه ایران (دمکرات لیبرال) در فردای این گردهمایی تحت عنوان "پایکوبی و دست‌افشانی و بادمونشی کنفدراسیون و کنفدراسیونی‌ها بر روی گور ایران و ملت ایران" نوشتند:

"به جای اینکه کنفدراسیون و کنفدراسیونی‌ها پس از ۵۰ سال که از تأسیس کنفدراسیون و پیوستن‌شان به آن می‌گذرد یک نقد جدی و بی‌غرض و سازنده را در چندین جلد به ملت ایران تقدیم می‌کردند و از پیشگاه ملت ایران به خاطر خطاهای سیاسی‌شان در گذشته و به ویژه در ۳۴ سال گذشته عذرخواهی می‌کردند با کمال وقاحت نه تنها به هیچ خطائی اعتراف نمی‌کنند، بلکه به کنفدراسیون و خودشان مهر تأیید می‌زنند و به خود مدال‌های افتخار آویزان می‌کنند که شاه را سرنگون کردند....".

حزب مشروطه ایران (دمکرات لیبرال) که رهبر و بنیادگذارش داریوش همایون، رئیس حزب رستاخیز دربار پهلوی و همدست ساواک و مدافع دیکتاتوری سلطنتی بود، هنوز نفهمیده و نمی خواهد بفهمد که تجلیل از مبارزات کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی تجلیل از مبارزات ضد استبدادی، ضد اجنبی پرستی، ضد زندان و شکنجه و تیرباران و در دفاع از حقوق حقه ملت ایران و استقرار آزادی، دموکراسی، استقلال و حقوق بشر بوده است. کنفدراسیون وظیفه داشت تا به افشای کودتای خائنانه ۲۸ مرداد [اسد] ۳۲ بپردازد، ماهیت کثیف دربار فاسد، نوکر و

دزد پهلوی را افشاء سازد، از مبارزات تمام آحاد مردم ایران برای استقلال و آزادی به دفاع بر خیزد و به وظیفه میهنی خویش عمل نماید. اعضای کنفدراسیون با آگاهی سیاسی بالا و با تلاش خستگی ناپذیر بعنوان یک پشت جبهه نیرومند و سازمان یافته دمار از روزگار رژیم منفور پهلوی و اربابانش در آوردند و اجازه ندادند تا غارت ثروت مردم ایران و بزم و عیش و نوش و شکمبارگی و فساد دربار شاه، بعنوان دموکراسی و دروازه تمدن و پیشرفت و مدرنیسم در افکار عمومی اروپا و امریکا جلوه داده شود. کنفدراسیون بخوبی از عهده این مسئولیت مهم برآمد و عرصه را بر رژیم شاه تنگ کرد و تصویر درستی از اوضاع ایران ارائه داد و افکار عمومی مردم متمدنی را با خود همراه ساخت. دفاع از همه زندانیان سیاسی، از افتخارات کنفدراسیون جهانی بود و همین امر سبب شد تا حکم بسیاری از فعالین سیاسی اعدامی، به حبس ابد تقلیل یابد و سرانجام با انقلاب شکوهمند مردم ایران از زندان آزاد شوند. حضور آنها در این روز تاریخی در فرانکفورت کشیده محکمی به سلطنت طلبان بود که آرزوی مرگ آنها را داشتند و هنوز نیز بر این "فرصت از دست رفته" غبطه می خورند.

بخشی از همین رهبران کنونی جمهوری اسلامی که نجات جانیشان را مدیون این سیاست دموکراتیک کنفدراسیون جهانی بودند، خود بعد از تثبیتشان در قدرت به همان روشهایی متوسل شدند که شاه به آنها برای تقویت نظامش متوسل شده بود و دیدیم که راه به جایی نبرد. حال تاریخ‌نویسان "مدرن" سلطنتی، همه آن عده ای که تاریخ خود را با تاریخ زندگی شعبان بی مخ ها پیوند زده اند، می پندارند با جعل تاریخ کنفدراسیون و یورش به دستاوردهای آن توسط عمال نقابدار و بی نقاب خویش قادرند این تاریخ افتخار آفرین را از ذهنها بزایند.



این نوکران امپریالیسم که در پرتو عقبگرایی و ریاکاری جمهوری اسلامی، نقاب مدرنیسم و سکولاریسم بر چهره زده اند، هنوز پس از گذشت ۳۴ سال از زندگی در زیاله دان تاریخ، نفهمیده اند که دوران رژیمهای استبدادی، چه شاه و چه شیخ به سر آمده است. آنها هنوز وقیحانه در رویای احیای همان استبداد سلطنتی و یا سلطنت استبدادی و بخور و بپاش و غارت و چپاول مردم ایران به سر می برند و به نیروهای ترقیخواه و میهن‌دوست ایران یورش می آورند و خواستار "معذرت خواهی" کنفدراسیون جهانی از بقایای دربار پهلوی می باشند!! آنها مخالف برپائی چنین بزرگداشتی بوده اند و حال که تمام دسیسه هایشان با شکست روبه رو شده است به یورش رو در روی آورده اند.

مقاله نویس حزب مشروطه (لیبرال دمکرات) از آنجا که اعتقادی به نیروی لایزال مردم ندارد و ضد انقلاب است، می پندارد که انقلاب عظیم مردم ایران که نظام پوسیده پهلوی را درهم کوبید، کار کنفدراسیون جهانی محصلین و

دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بوده است و از این بابت باید "اعتراف به اشتباهاتش کند". آنها هنوز نیز نفهمیده اند که انقلاب ایران بیان خواستهای سه نسل، انقلابی بزرگ و میلیونی، توده ای ترین انقلاب قرن بیستم و برای آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی بود، این انقلاب ناشی از مناسبات ظالمانه سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران و سلطه امپریالیسم بوده و میلیونها نفر از مردم ایران، از دانشجو گرفته تا کارگر و آموزگار و دانش آموز و زنان و همه زحمتکشان برای چنین خواست عادلانه ای به میدان آمدند و دست به انقلابی زدند که منطقه و جهان را تکان داد. انقلاب کار مردم ایران بود و دانشجویان خارج از کشور از مردم ایران و از خواست آزادی و دموکراسی و استقلال جانانه دفاع نمودند و این نیز جزو افتخارات کنفدراسیون جهانی و برگ زرینی در تاریخ مبارزه دموکراتیک و ضد استعماری ملت ایران است.

مقاله نویس حزب مشروطه (لیبرال دموکرات) در ادامه می نویسد:

"شما کنفدراسیونی ها با جعل و تحریف تاریخ کنفدراسیون برای خود تاریخی پرافتخار که افسانه ای بیش نیست آفریده اید که به آن باور ندارید ولی برای مردمفریبی آنرا حقیقت محض جلوه می دهید... یا حمایتتان از مثنی کمونیست تروریست بنام ظفار...."

تاریخ پر افتخار کنفدراسیون افسانه نیست، یک واقعیت تاریخی غیرقابل انکار است. اگر افسانه بود سلطنت طلبان خودفروخته چنین برافروخته نمی شدند و ترسی از افسانه بخود راه نمی دادند. همبستگی بین المللی و دفاع از جنبشهای رهانیبخش بخشی از مبارزات درخشان کنفدراسیون جهانی بوده و طبیعی بود که چنین مبارزه ای به مذاق رژیم وابسته پهلوی این حامی قتل عام خلقهای ویتنام، فلسطین، الجزایر، کنگو و ظفار.... این ژاندارم منطقه و دست دراز شده دکترین نیکسون در منطقه، خوش نیاید و بر این مبارزات همانند اربابانش برجسب تروریستی بگوید. پس مانده های رژیم پهلوی و همدستان ایرانیانشان امروز نیز با همین رویه و مرام ارتجاعی مبارزات خلقهای عراق، افغانستان و فلسطین و لبنان را تروریستی دانسته و از تروریسم دولتی امپریالیستها و در راس آن امپریالیست امریکا و صهیونیستهای اسرائیلی بی قید و شرط دفاع می کنند و شرم ندارند که از تجاوز نظامی به ایران نیز دفاع کرده تا بر ویرانه خاک ایران بساط کپک زده دستگاه فاسد و خودفروخته سلطنت قرون وسطائی را با رهبری رضا نیم پهلوی بر پا سازند. پاره ای از آنها آرزوی دوران پهلوی "مدرن و سکولار" را دارند و به گذشته خود، به انقلاب شکوهمند بهمین که بزرگترین همه پرستی تاریخی قرن بیستم بود و بیان روشن رای اکثریت سه نسل بود احترام نمی گذارند و تف می اندازند و به عنوان اقلیتی خودفروخته و جاسوس مدعی دموکرات بودن نیز هستند. دموکراسی در قاموس این مستبدها فقط تحقق خواستهای خود آنهاست.

یورش به دستاوردهای کنفدراسیون جهانی اتفاقی نیست و برای آن صورت می گیرد که مبارزه بر ضد رژیم منفور پهلوی که گویا غیر مذهبی بوده است، مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم تخطئه شود. واقعیت این است که روی کارآمدن رژیم زن ستیز و ارتجاعی جمهوری اسلامی نتیجه طبیعی سیاستهای ضد مردمی و عقب مانده و استبدادی رژیم منفور پهلویست که بیش از پنجاه سال با غارت ثروت مردم ایران و سرکوب وحشیانه نیروهای مترقی و مبارز بویژه کمونیستها زمینه سیاسی کسب قدرت را برای نیروی مذهبی میرنده و ضد کمونیست روحانیت که صاحب منبر و مسجد و تکایا و امکانات مالی در زمان وی بودند، فراهم آورد و از درون پنج دهه "دروازه تمدن" پهلوی خردجال خمینی بیرون خزید! حقیقتا که شاه و شیخ دو روی یک سکه اند، هر دو مردم فریب، دورو و عتیقه ای از دوران قرون وسطا هستند. شگفت آور نیست که سلطنت طلبان که سرگردان از یک سمینار امپریالیست ساخته به سمینار دیگر می روند از حضور بیش از ۵۰۰ نفر در جشن کنفدراسیون به خشم آیند.

رسانه های امپریالیستی نیز زیرکانه از کنار این یادمان تاریخی گذشتند و از هرگونه پوشش تبلیغاتی برای این مراسم تاریخی اجتناب ورزیدند و جز این نیز انتظاری نمی رفت. زیرا چنین رسانه هائی بلندگوی تبلیغاتی و استعماری ممالک امپریالیستی اند و هرگز بی گذار به آب نمی زنند. آنها موظفند نشستهای مزدوران امپریالیست را در خارج تبلیغ کنند. آنها به نشستهای مشکوک ده نفره پوشش تبلیغاتی جهانی می دهند. رضا پهلوی را قلاده به گردن، از این فرستنده به فرستنده دیگر می برند، برایش کلاس بازیگری و پخش اکاذیب می گذارند، ولی حاضر نیستند به نشستی به این شکوهمندی پوشش تبلیغاتی دهند. آنها هر گامی که بر می دارند و هر پوشش تبلیغاتی که ساز می کنند دارای هدف مشخص سیاسی و برای تولید افکار عمومی بنفع غارتگران بین المللی است. جالب توجه است که رسانه هائی نظیر بی بی سی، رادیو فردا، تلویزیون صدای امریکا، رادیو آلمان، رادیو فرانسه، خبرگزاری سوئد، شبکه اطلاع رسانی "پرس اسوسیشن"... و دهها رسانه های مشابه در همین چند ماه قبل در مرحله اول دادگاه جمهوری اسلامی در لندن که توسط عده ای فریبخورده سیاسی و آلت دست امپریالیست برگزار شده بود، بیش از پانصد میلیون نفر را در سراسر جهان در جریان این دادگاه امپریالیست ساخته قرار دادند. زیرا خوب می دانستند که این دادگاه یک ابزار مناسب تبلیغاتی برای اهداف دراز مدت استعماری آنهاست. آنها با اشراف بر نظرات حاکم بر این دادگاه و مدیریت آن توسط آقای پیام اخوان که در محاکمه میلو سوویچ رئیس جمهور قانونی یوگسلاوی در دادگاه دن هاگ شرکت داشت، آگاه بودند. آنها می دانستند که این تریبونال فاقد مواضع ضد امپریالیستی و ضد تحریم و تجاوز علیه ایران است. در صورتی که ماهیت سیاسی تاریخی یادمان پنجاهمین سالگرد کنفدراسیون جهانی و روح حاکم بر مبارزات نزدیک به دو دهه کنفدراسیون جهانی ضد امپریالیستی و ضد استعماری بوده و همین امر خود دلیلی بر آن بوده تا رسانه های ارتجاعی و استعماری فوق از پوشش خبری به چنین یادمانی امتناع ورزند.

موفقیت جشن پنجاه سالگی تأسیس کنفدراسیون جهانی را که تأثیرات زیادی بویژه در ایران گذارده است از یک جنبه دیگر هم باید بررسی کرد. این جشن روند اپوزیسیون سازی امپریالیستی در خارج از کشور را که با مشتی ایرانی خودفروخته براه افتاده است، برهم زده، حسابهای آنها را بر هم ریخت. این جشن مهر باطله به همه آنها کوفت و کارنامه مردودی آنها را در نزد ملت ایران صادر کرد و به نمایش عموم گذارد. این جشن به همه مراکز پشت پرده که خود را در محافل امپریالیستی سخنگو و مخرج مشترک نیروهای اپوزیسیون جا می زدند و سالها تلاش داشتند و دارند که هدایت اپوزیسیون ایران را از طریق مجاری خود ساخته مصنوعی و بی پشتوانه خویش، اداره کرده و از طریق این مراکز مجوف و پوشالی اداره رهبری را در دست گیرند برهم زد. این جشن تاج ساختگی سرداران بی سپاه را از تارکشان برداشت و آنها را همانگونه که بودند و هستند به همگان معرفی کرد. خشم و نفرتی که امروز دارد تنوره می کشد تا با گرد و خاک از تأثیر این کار موفق بکاهد، از همین جا سرچشمه می گیرد. دیگر با استشادهای محلی بی اعتبار نمی شود رهبر جنبش شد. شرایط پیش از برگزاری این جشن، دیگر شرایط بعد از آن نیست. حسابها و صورت حسابها برهم خورده است. سلطنت بازگشتنی نیست، باید در فکر سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی با دست مردم ایران بود. تاریخ را باید به جلو سوق داد و نه زیر روپوش "مدرنیسم و سکولاریسم" به عقب. باید در پی جمهوری مردمی بود و نه بازگشت به قرون وسطی. ما دیگر سلطنت و جمهوری سلطنتی نمی خواهیم. ما طالب جمهوری مردمی هستیم. حزب ما بر آن است که جمعبندی و انتقال تجربه یک دوره از مبارزات درخشان دانشجویی به نسل جوان ایران که در گیر مبارزه مرگ و زندگی با یکی از هارترین رژیمهای قرون وسطانیست، ضرورتی دو چندان دارد. باید این تجارب مبارزاتی را به نسل بعدی منتقل کرد تا از گذشتگان برای عبور از پرتگاههای راه خویش بیاموزند. از نظر حزب ما برگزاری این جشن نخستین گام مهم در جهت تحقق این امر بوده است. یورش ارتجاع و ضد انقلاب با نقابهای رنگارنگ به این مراسم، سندی انکار ناپذیر موفقیت این یادمان بوده است.

بر گرفته از توفان شماره ۱۵۵ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۱، فیروزی سال ۲۰۱۳، ارگان مرکزی حزب کار ایران

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.org

نشانی پست الکترونیک (ایمیل). toufan@toufan.org